

تاثیر دوره تصدی حسابرِس بر محافظه کاری حسابرِس

هادی دانشور

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

hadi_d_69@yahoo.com

مرجان سمایی

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی اسوه معاصر، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

marjansamaee@gmail.com

شماره ۳۱/ بهار ۱۳۹۹ (جلد اول) / صص ۵۴-۶۷
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تاثیر دوره تصدی حسابرِس بر محافظه کاری حسابرِس است. این پژوهش کاربردی و طرح آن از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی است. در این مطالعه به تبعیت از فرانسویس و کریشان (۱۹۹۹) از ارقام تعهدی به عنوان محافظه کاری حسابرِس استفاده شده است. ما مدل توسعه یافته ارقام تعهدی اختیاری کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) را به عنوان معیار محافظه کاری حسابرِس انتخاب کرده ایم. این تحقیق از نوع تحقیق های توصیفی - همبستگی است و از روش پانل جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. اطلاعات مورد نیاز از صورت های مالی حسابرِس شده ۱۱۲ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۴ استخراج شد. نتایج این پژوهش نشان داد بین دوره تصدی حسابرِس و محافظه کاری حسابرِس ارتباط معنادار وجود ندارد.

واژگان کلیدی: محافظه کاری حسابرِس، دوره تصدی، کیفیت حسابرِس.

مقدمه

پیامدهای اقتصادی به کارگیری رویکردهای محافظه کارانه در گزارشگری مالی، مدیران شرکت ها، حسابرسان و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری را به سمت محافظه کاری سوق داده است (کردستانی و لنگرودی، ۱۳۸۹). با توجه به شکاف ناشی از تضاد نمایندگی بین مدیریت و مالکیت ضروری بنظر می آید که اطلاعات گزارش شده گویای واقعیت و پاسخگویی منصفانه مدیریت باشد. به عنوان یک راه حل در چنین شرایطی برای کاهش این چنین تضادی، مالک می تواند به سیستم های نظارتی متوسل گردد. حسابرسی صورتهای مالی یک ساز و کار نظارتی برای کاهش اطلاعات نامتقارن می باشد. اما به دنبال رسوایی مالی شرکتها و بحران های مالی طی دو دهه اخیر که منجر به فروپاشی شرکت های بزرگ نظیر انرون، آدلفی و وردکام شد انگشت اتهام تا حدودی به سمت حسابرسان و کیفیت حسابرسی نشانه رفته است. در ایران نیز پس از کشف تقلب بانکی در سال ۱۳۹۰، برخی کارشناسان ادعای شکست حسابرسی را مطرح کرده اند (حساس یگانه و غلام زاده لداری،

(۱۳۹۱). استدلال می شود که رابطه دراز مدت حسابرس- صاحبکار می تواند باعث سهل انگاری و قصور حسابرس در انجام نقش اعتباردهی خود شود (دان لی، ۲۰۱۰). از سوی دیگر وظیفه حسابرس، اطمینان بخشی به گزارش های مالی برای استفاده کنندگان آن ها است. بنابراین حسابرس نسبت به استفاده کنندگان از خدمات حسابرسی نسبت به سایر حرفه ها همچون پزشکی آثار ناشی از عملکرد نادرست آنها به طیف وسیع تری از افراد زیان وارد می کند. محافظه کاری حسابرس از موضوعات مهمی است که هنوز حل نشده باقی مانده است اما انتظار می رود از رفتار فرصت طلبانه مدیران (برای مدیریت سود شرکت ها) جلوگیری کرده و خطر اخلاقی را کاهش دهد، عدم تقارن اطلاعاتی و زیان های ناشی از آن را مهار کند، از تصمیم گیری های نادرست سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان صورت های مالی جلوگیری می کند، ریسک اطلاعاتی سرمایه گذاران را کاهش دهد (کردستانی و لنگرودی، ۱۳۸۹). در دهه های اخیر نگرانی ناشی از آثار روابط طولانی مدت حسابرس و صاحبکار بر استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی موجب تدوین قوانین مبنی بر محدود کردن روابط مزبور شده است. در سالهای ابتدائی کار حسابرسان با صاحبکاران جدید حسابرسان ممکن است به دلیل ترس از دعاوی حقوقی که ممکن است به دلیل عدم شناخت کافی از فعالیت صاحبکار پدید آید رویه های محافظه کارانه تری از سوی صاحبکار درخواست نمایند، اما با گسترش و روابط و احتمالاً کاهش استقلال، تمایلی برای مقاومت در مقابل خواسته مدیریت صاحبکار ندارند و به این ترتیب مدیران بصورت خوش بینانه به گزارش پردازند. نتایج همیلتون و همکاران (۲۰۰۵) و کریشان (۲۰۰۷) تاکید کننده این دیدگاه است (کرمی و بذرافشان، ۱۳۸۸). ارتباط طولانی مدت حسابرس و صاحبکار باعث به کارگیری رویه های محافظه کارانه توسط صاحبکار می شود و از آنجا که حسابرسان جدید معمولاً فاقد دانش کافی در ارتباط فعالیت تجاری و سیستم های کنترل داخلی صاحبکار هستند مجبور میشوند بیشتر روی تصمیمات مدیران در رابطه با گزارش مالی اتکا کنند و در نتیجه احتمال بیشتری دارد که اسیر رویه های فرصت طلبانه مدیران شوند، که این امر باعث کاهش استفاده از رویه محافظه کارانه می شود اما با افزایش دوره تصدی و با بدست آوردن شناخت بیشتر، هوشیاری آنها نسبت به کار بیشتر شده و از هرگونه ریسک حسابرسی بالقوه اجتناب می کنند (کرمی و بذرافشان، ۱۳۸۸). محافظه کاری به عنوان یکی از میثاق های محدود کننده حسابداری، سال هاست که مورد استفاده حسابداران قرار می گیرد. نظام اقتصادی جهان امروز بر مبنای مطالعه عمیق فعالیت های صنایع و مؤسسات بازرگانی و خدماتی و اطلاع دقیق از ارقام مربوط به نتایج حاصله از این فعالیت ها استوار است. موفقیت و بهبودی اقتصاد کشور، چه در جریان فعالیت های روزانه و چه در اجراء برنامه های بلند مدت، منوط به گزارش صحیح اطلاعات مالی است. چگونه باید نسبت به درست بودن یا حداقل قابل قبول بودن این اطلاعات مالی و محاسبه صحیح این همه آمار و اعداد و ارقام اطمینان لازم حاصل شود؟ سهمی عمده از پاسخ به این سوال ها مربوط به چگونگی وظیفه ای است که حسابرسان در امر رسیدگی به این گزارش ها و اطلاعات و آمار ایفاء می کنند. حسابرسان ارائه دهنده خدمات سودمندی هستند که به وسیله سرمایه گذاران تقاضا می شود (دیچو و اسکراند، ۲۰۱۰). از سویی دیگر هدف محافظه کاری نیز جلوگیری از تصمیم گیری های نادرست از سوی سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان هست. استفاده کنندگان صورتهای مالی از حسابرسان انتظار دارند با شناسایی انگیزه های ارتکاب تقلب مدیران، زمینه وقوع آن را کاهش دهند. انتظار بر این است که با افزایش کیفیت حسابرسی، محافظه کاری حسابرس نیز افزایش و در نتیجه باور پذیری بیش تری را برای صورت های مالی به همراه داشته باشند. تغییر حسابرس باعث افزایش استقلال حسابرسی می گردد و اعتقاد دارند اگر حسابرس بیش از حد با صاحبکار صمیمی باشد، ممکن است تحت این شرایط که عمدتاً ناشی از دوره تصدی گری بالاست، در برابر تغییرات تجاری و ریسک تعدیلات لازم را انجام ندهد که در اینصورت حسابرس در گردآوری شواهد کمتر به تردید حرفه ای متکی خواهد بود و از طرفی ترس امروزی مؤسسات حسابرسی در از دست دادن مشتری و رابطه طولانی مدت نیز از دلایلی است که ممکن

است منجر به ارایه گزارشی شود که بیشتر بر مبنای نظرات مدیران شرکت باشد. محققان در جهت تجزیه و تحلیل، پدیده دوره تصدی به عنوان یکی از شاخص های کیفیت حسابداری با متغیرهای متعددی از جمله محافظه کاری مورد مطالعه قرار میدهند (جنکینز و ولوری، ۲۰۰۸). اهمیت این پژوهش این است که با توجه به اینکه شرایط اقتصادی و اجتماعی و قانونی کشور ما متفاوت می باشد به گونه تجربی به تحلیل گران، سرمایه گذاران، مدیران و سایر استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری نشان دهد که تاثیر دوره تصدی حسابداری بر محافظه کاری حسابداری چگونه است و مبنای نظری آن در ایران بسط داده شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ادعا می شود رابطه بلند مدت حسابداری و صاحبکار از یک سو منجر به ایجاد روابط خاص، کاهش اعتماد عمومی و کاهش استقلال می شود و از سوی دیگر شناخت حسابداری را از ساختار کنترل داخلی صاحبکار و عملیات آن عمق بیشتری می بخشد و موجب اثربخشی بیش تر فرآیند حسابداری می شود. نتایج نشان می دهد رابطه طولانی مدت بین حسابداری و صاحبکار (تصدی بیشتر) باعث آگاهی و شناخت بیشتر حسابداری از فعالیت های سازمان می شود. به عبارتی دیگر دانش حسابداری نسبت به صاحبکار افزایش می یابد که این دانش بیشتر عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابداری و صاحبکار را کاهش می دهد در نتیجه حسابداری در خواست استفاده از رویه های محافظه کارانه ای را از مدیریت خواهد داشت (وکیلی فرد و مران جوری، ۱۳۹۳). وقتی دوره تصدی افزایش یابد، حسابداری اطلاعات کاملتری را از ریسک های صاحبکار و چگونگی عملکرد سیستم های وی به دست می آورد و همچنین حسابداری می تواند رویه ها و فرآیند های حسابداری را جهت کشف تحریف ها تعدیل نماید (آرا و آقایی، ۱۳۹۱). همچنین نتایج تحقیقات نشان می دهد دوره تصدی کمتر باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابداری و صاحبکار و کاهش کیفیت حسابداری می شود (سجادی و دلفی، ۱۳۹۰). بنابراین انتظار می رود بین دوره تصدی حسابداری به عنوان یکی از سنج های کیفیت حسابداری و افزایش رویه های محافظه کارانه حسابداری ارتباط مستقیم وجود داشته باشد. حامیان تغییر حسابداری بر این باورند که در صورت تغییر اجباری، حسابداری در شرایطی قرار میگیرند که خواهند توانست در مقابل فشارها و خواسته های مدیران مقاومت و قضاوت بیطرفانه ای اعمال کنند و همچنین آنها تمایل حسابداری را در حفظ صاحبکار از طریق حمایت از او دلیل دیگری برای محدود کردن مطرح می کنند چرا که حسابداری در سالهای ابتدایی فعالیت برای صاحبکار جدید متحمل هزینه های اولیه می گردد که به منظور جبران آنها، به حفظ صاحبکار خود تمایل دارد (دیویس و دیگران، ۲۰۰۰).

نتایج تحقیق پیر و اندرسون (۱۹۸۴) نشان می دهد احتمال طرح دعوای حقوقی علیه حسابداری در سالهای ابتدایی کار حسابداری افزایش می یابد. والکر و همکاران (۲۰۰۱) نیز مشاهده کردند که میزان شکستهای حسابداری در روابط طولانی حسابداری - صاحبکار کمتر است و گایگر و راگاناندان (۲۰۰۲) با بررسی شرکتهایی که طی سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۹۸ درخواست ورشکستگی داده بودند به این نتیجه رسیدند رابطه مثبتی بین دوره تصدی حسابداری و احتمال اینکه شرکت ورشکسته در سال قبل از ورشکستگی، گزارش مشروط از بابت تداوم فعالیت دریافت کرده باشد، وجود دارد.

چی و دوگار (۲۰۰۵) نشان دادند با افزایش دوره تصدی تمایل حسابداری به انتشار گزارش حاوی شرط تداوم فعالیت کاهش می یابد. استنلی و دیزورت (۲۰۰۷) مشاهده کردند با افزایش دوره تصدی احتمال تجدید ارایه صورتهای مالی کاهش می یابد.

لی (۲۰۱۰) اثر دوره تصدی حسابرِس بر محافظه کاری را با استفاده از نمونه ای متشکل از ۸۲۶۶۳ مشاهده سال-شرکت طی سالهای ۲۰۰۴-۱۹۸۰ مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق حاکی از این بود که رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و محافظه کاری تنها در شرکت های بزرگ و شرکت هایی که تحت نظارت شدید حسابرسان هستند مثبت می باشد و این رابطه در شرکت های کوچک و یا شرکت هایی که نظارت حسابرسان آنها ضعیف است منفی و معنی دار خواهد بود.

ری یاد (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و کیفیت حسابرِس در بورس کشور مصر پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که بین شرکت های حسابرِس بین المللی، تخصص حسابرِس، نوع گزارش حسابرِس و دوره تصدی حسابرِس با محافظه کاری حسابداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

آی رند و بابجید (۲۰۱۵) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و محافظه کاری پرداختند. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که دوره تصدی بر محافظه کاری حسابداری تاثیر مثبت دارد. همچنین نشان داد که تغییر موسسه حسابرِس بر محافظه کاری حسابداری تاثیر دارد.

فنگ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان محافظه کاری حسابرِس و ابهام در اندازه گیری بانک ها در دوره مالی، رفتار و نوع اظهار نظر حسابرِس برخی از بانک های آمریکایی را در دو دوره زمانی با هم مقایسه کرده اند، این دوره ها شامل دوره بحران مالی (۲۰۰۸-۲۰۰۹) و دوره بعد از بحران مالی (۲۰۱۰-۲۰۱۱) می باشد. پژوهش آنها نشان می دهد که حسابرسان در دوره بحران مالی تمایل کمتری به صدور اظهار نظر تعدیل نشده دارند و آنها بیشتر اقدام به ارائه اظهار نظر تعدیل شده نموده اند. این پژوهشگران چنین توضیح می دهند که در دوران بحران مالی احتمال شکایت علیه حسابرسان افزایش می یابد و بدین ترتیب با افزایش این احتمال، محافظه کاری حسابرِس نیز افزایش می یابد. بنابراین حسابرسان در دوره بحران بیشتر تمایل به ارائه اظهار نظرهای محافظه کارانه از خود نشان می دهند. همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن است که در دوره بحران مالی حق الزحمه حسابرِس بدلیل موضوع صرف ریسک دادخواهی افزایش یافته است.

اسان الشافی (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان عوامل و پیامدهای مؤثر بر محافظه کاری حسابرِس پرداختند؛ ارائه چارچوب نظری برای بررسی علل و اثرات محافظه کاری حسابرِس زمانی که حسابرِس در شک و تردید است و همچنین در این حالت ارائه گزارش مطلوب به صاحبکار می باشد. در این تحقیق برای اندازه گیری محافظه کاری از مدل باسو (۱۹۹۷) استفاده شده است نتایج نشان می دهد که محافظه کاری ارتباط مثبتی با ریسک کسب و کار، همچنین باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات و افزایش هزینه های حسابرِس می شود.

کرمی و بذر افشان (۱۳۸۸) در نمونه ای متشکل از ۵۱ شرکت طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۵ به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و گزارشگری سودهای محافظه کارانه پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین دوره تصدی و محافظه کاری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین با افزایش دوره تصدی حسابرِس، محافظه کاری افزایش می یابد و در دوره تصدی کوتاه تر محافظه کاری کم تر است.

نمازی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی رابطه بین اندازه حسابرِس و دوره تصدی حسابرِس و مدیریت سود پرداختند. یافته های پژوهش نشان می دهد در بررسی جداگانه متغیرهای مستقل با مدیریت سود، محققین رابطه مثبت و معنی داری بین سود و دوره تصدی حسابرِس را نتیجه گیری نمودند.

خواجوی و حسینی نیا (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و دوره تصدی حسابرِس پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که بین دوره تصدی حسابرِس و محافظه کاری رابطه معنادار وجود ندارد. همچنین زمانی که

عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد، بین محافظه کاری با دوره تصدی حسابرِس، اعم از کوتاه مدت و بلند مدت رابطه معنادار مشاهده نشد.

فرضیه پژوهش

باتوجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه پژوهش به شرح زیر تدوین می گردد:
دوره تصدی بر محافظه کاری حسابرِس تأثیر دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش شناخت جزء تحقیقات توصیفی-همبستگی است. برای گردآوری داده ها از گزارش حسابرِس شرکت ها و اطلاعات دریافتی از صورتهای مالی، اطلاعات ارائه شده به بورس اوراق بهادار و سایر منابع اطلاعاتی مانند بانک اطلاعاتی ره آورد نوین، سایت کدال، از روش اسناد کاوی و نیز روش کتابخانه ای استفاده شده است. همچنین با توجه به اینکه اطلاعات گذشته شرکتها مبنای مورد استفاده در تحقیق می باشد، لذا این تحقیق از نوع تحقیقات پس رویدادی میباشد. از جنبه تئوریک تحقیق مزبور در حوزه تحقیقات اثباتی طبقه بندی می شود و از منظر ماهیت این پژوهش از نوع تحقیقات شبه تجربی می باشد و برای تجزیه و تحلیل این پژوهش از نرم افزارهای آماری minitab نسخه ۱۶ و Stata نسخه ۱۴ استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری

قلمرو زمانی پژوهش حاضر سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ و قلمرو مکانی آن شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. شرایط زیر برای انتخاب نمونه ی آماری قرار داده شده است:
۱- جزء بانکها، مؤسسات مالی، سرمایه گذاری، هلدینگ و لیزینگ نباشد.
۲- بیشتر از سه ماه توقف معاملاتی نداشته باشند.
۳- برای رعایت قابلیت مقایسه پذیری، سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند ماه هر سال باشد.
۴- شرکت تا پایان سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و تا ۱۳۹۴ از بورس اوراق بهادار نیز خارج نشده باشد.
۵- صورتهای مالی و اطلاعات شرکتها در دسترس باشند.
با در نظر گرفتن شرایط فوق تعداد ۱۱۲ شرکت در نمونه نهایی پژوهش باقی ماندند.

نحوه اندازه گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

محافظه کاری حسابرِس (ACONS): در این مطالعه به تبعیت از فرانسیس و کریشنان (۱۹۹۹) از اقلام تعهدی به عنوان محافظه کاری حسابرِس استفاده شده است و مدل توسعه یافته اقلام تعهدی اختیاری کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) به عنوان معیار محافظه کاری حسابرِس انتخاب گردید. براساس مدل کوتاری (۲۰۰۵) سودی با کیفیت تر است که اقلام تعهدی اختیاری کمتری داشته باشد (نیکو مرام و امینی، ۱۳۹۰). باقیمانده های مدل نشان دهنده محافظه کاری حسابرِس (توصیف

اقدام تعهدی) است. هر چقدر باقیمانده های مدل کمتر باشد، نشان دهنده اقدام تعهدی اختیاری کمتر، کیفیت سود بالاتر و در نتیجه محافظه کاری حسابرس بالاتر است.

$$ACON_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 TENURE_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 ROA_{it} + \alpha_4 MVB_{it} + \alpha_5 LEV_{it} + \varepsilon_{i,t}$$

$$T-ACCRUAL_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 1/asset_{i,t-1} + \alpha_2 \Delta REV_{i,t} + \alpha_3 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$T-ACCRUALS_{it}$: اقدام تعهدی اختیاری جاری = (خالص جریان وجوه نقد عملیاتی - هزینه استهلاک + سود سال جاری)؛

$\Delta REV_{i,t}$: تغییرات درآمد که از فروش سال جاری - فروش سال قبل حاصل می شود؛

$\Delta PPE_{i,t}$: دارایی های ثابت مشهود؛ در نهایت برای همگن سازی کلیه اقلام بر جمع دارایی های اول دوره تقسیم خواهند شد.

متغیر مستقل

دوره تصدی حسابرس (TENUR): تعداد سال هایی که حسابرس در استخدام یک شرکت است، دوره تصدی حسابرس نامیده می شود. بنابراین، اندازه گیری صحیح دوره تصدی حسابرس مستلزم تعیین دقیق نخستین سال استخدام حسابرس در شرکت صاحبکار است که اطلاعات آن به طور معمول در دسترس نیست (خواجوی و ابراهیمی، ۱۳۹۰). بنابر این در این پژوهش اگر تصدی حسابرس کمتر از سه سال باشد عدد یک، در غیر این صورت عدد صفر را می پذیرد.

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت (SIZE): از لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت به دست می آید.
سودآوری یا بازده دارایی ها (ROA): از تقسیم سود عملیاتی بر کل دارایی ها حاصل می شود.
اهرم مالی (LEV): اهرم از طریق نسبت کل بدهی به کل دارایی ها اندازه گیری می شود.
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MVB): تأثیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری در پژوهش خان و واتس (۲۰۰۷) نیز کنترل شده است.

آمار توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. نگاره (۱)، آمار توصیفی داده های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می دهد. نتایج تحلیل توصیفی داده ها را می توان در قالب موارد زیر خلاصه نمود:

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
محافظه کاری حسابرس	۶۷۲	۰,۳۲۰	۰,۰۹۳	-۰,۱۴۲	۰,۸۳۶
اندازه شرکت	۶۷۲	۱۴,۰۴۶	۱,۵۸۰	۱۰,۰۳۱	۱۹,۱۰۶
بازده دارایی ها	۶۷۲	۰,۱۵۲	۰,۱۳۸	-۰,۲۸۹	۰,۶۷۴
اهرم مالی	۶۷۲	۰,۵۸۶	۰,۱۷۱	۰,۰۹۰	۰,۹۶۴
ارزش بازار به دفتری	۶۷۲	۱,۲۷۵	۱,۰۵۰	۰,۰۶۹	۶,۸۲۶

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی برابر با (۵۸۶/۰) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. یا به عبارت دیگر، اکثر شرکت‌های مورد بررسی، نسبت بدهی به دارایی شان نزدیک به ۵۸ درصد می‌باشد. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. این پارامتر برای محافظه کاری حسابرس برابر با ۰.۹۳ می‌باشد کمترین و بیشترین نیز کمینه و بیشینه هر متغیر را نشان می‌دهد. به عنوان مثال بیشترین مقدار اندازه شرکت (که از طریق لگاریتم دارایی‌ها حساب شده است) برابر با ۱۹,۱۰۶ است که مربوط به شرکت فولاد مبارکه اصفهان در سال ۱۳۹۴ است که با داشتن ۱۹۸,۴۷۹,۳۴۹ میلیون ریال دارایی، بزرگترین شرکت در بین شرکت‌های مورد بررسی می‌باشد. اما دوره تصدی چون طبق تعریف عملیاتی جزو متغیرهای مجازی طبقه بندی می‌شود می‌بایست بصورت جدول فراوانی توصیف گردد که بصورت زیر تشریح می‌گردد:

جدول (۲): توزیع فراوانی برای متغیر دوره تصدی حسابرس

شرح	فراوانی	درصد فراوانی
۰	۳۹۸	۵۹,۲۳
۱	۲۷۴	۴۰,۷۷
جمع کل	۶۷۲	۱۰۰

با توجه به جدول فوق و طبق تعریف عملیاتی دوره تصدی نشان می‌دهد که از ۶۷۲ مشاهده، در ۳۹۸ مشاهده دوره تصدی حسابرس بیشتر از سه سال است که شامل ۵۹,۲۳ درصد از مشاهدات می‌باشد و از طرفی در ۲۷۴ مشاهده، دوره تصدی حسابرس کمتر از سه سال می‌باشد که ۴۰,۷۷ درصد مشاهدات را دربر می‌گیرد.

آزمون مانایی متغیرها

مطابق ادبیات اقتصاد سنجی لازم است قبل از برآورد مدل، مانایی متغیرها بررسی گردد. برای حصول اطمینان به آزمون‌های مانایی قوی‌تر در مدل‌های پانل، داده‌ها را تجمیع نموده و سپس مانایی را با استفاده از آزمون هاریس در سطح اطمینان ۹۵ درصد بررسی گردیده است (اندرس، ۱۳۸۶).

جدول (۳): آزمون مانایی (هاریس) برای تمامی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
محافظه کاری حسابرس	-۱۳,۷۵۴	۰,۰۰۰	مانا است
دوره تصدی حسابرس	-۵,۴۷۲	۰,۰۰۰	مانا است
اندازه شرکت	-۱۲,۵۷۱	۰,۰۰۰	مانا است
بازده دارایی‌ها	-۸,۰۵۹	۰,۰۰۰	مانا است
اهرم مالی	-۳,۹۴۹	۰,۰۰۰	مانا است
ارزش بازار به دفتری	-۱۱,۲۲۲	۰,۰۰۰	مانا است

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرها است.

آزمون تشخیص توزیع نرمال

به منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون شاپیروفرانسیا استفاده شده است. در این آزمونها هرگاه سطح معنی داری کمتر از ۵٪ باشد ($Sig < 5\%$)، فرض صفر (نرمال است) در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می شود.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون شاپیرو فرانسیا

نام متغیر	تعداد مشاهدات	معناداری شاپیرو فرانسیا	نتیجه
محافظه کاری حسابرس	۶۷۲	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
دوره تصدی حسابرس	۶۷۲	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
اندازه شرکت	۶۷۲	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
بازده دارایی ها	۶۷۲	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
اهرم مالی	۶۷۲	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
ارزش بازار به دفتری	۶۷۲	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول فوق، سطح معنی داری طبق آزمون تشخیص توزیع نرمال شاپیرو فرانسیا برای متغیرها کمتر از ۵ درصد است. لذا داده ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند. از این رو از تبدیلات جانسون برای نرمال سازی متغیر وابسته استفاده شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون تبدیلات جانسون برای متغیر وابسته

نام متغیر	نرمال سازی قبل از تبدیلات	نرمال سازی پس از تبدیلات	نتیجه
محافظه کاری حسابرس	۰,۰۰۵	۰,۶۶۲	توزیع نرمال دارد

با توجه به جدول فوق، مشاهده می شود سطح معنی داری متغیر پس از انجام آزمون تبدیلات جانسون برابر با ۰,۶۶۲ می باشد که بیش از ۵ درصد بوده و بیانگر نرمال بودن توزیع متغیر وابسته پس از عملیات نرمال سازی جانسون می باشد.

آزمون F لیمر (چاو) و آزمون هاسمن
به منظور تخمین مدل های پژوهش از تکنیک داده های تلفیقی استفاده شده است.

جدول (۶): نتایج آزمون اف لیمر

نام فرضیه	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
تاثیر دوره تصدی بر محافظه کاری حسابرس	۳,۱۷	۰,۰۰۰	رویکرد تابلویی

با توجه به جدول فوق، چون سطح معناداری آزمون اف لیمر در مدل اول الی نهم کمتر از ۵ درصد است، از این رو داده های تابلویی (پانل دیتا) در مقابل داده های تلفیقی (پول) مورد پذیرش قرار می گیرند. بعد از انجام آزمون F لیمر (چاو) و انتخاب مدل اثرات ثابت مقطعی برای انتخاب روش آزمون داده ها از بین دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آزمون هاسمن

استفاده می شود. اگر سطح معنی داری بیشتر از ۵ درصد بود اثرات تصادفی و اگر کمتر از ۵ درصد بود اثرات ثابت انتخاب می گردد.

جدول (۷): نتایج آزمون هاسمن

نام فرضیه	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
تاثیر دوره تصدی بر محافظه کاری حسابرس	۳۰٫۴۱	۰٫۰۰۰	اثرات ثابت عرض از مبدأ

با توجه به جدول فوق، سطح معناداری آزمون هاسمن در مدلها کمتر از ۵ درصد است، از این رو ضرایب برآوردی با اثرات ثابت عرض از مبدأ در مقابل اثرات تصادفی مورد پذیرش قرار می گیرند.

آزمون ناهمسانی واریانس مدلهای پژوهش

جدول (۸): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

نام فرضیه	آماره آزمون	سطح معنی داری
تاثیر دوره تصدی بر محافظه کاری حسابرس	۱/۷	۰/۰۰۰

نتایج حاصل در جدول فوق نشان می دهد که سطح معنی داری آزمون والد تعدیل شده کمتر از ۵ درصد می باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاقی می باشد، که این مشکل در تخمین نهایی مدلها رفع گردیده (با روش وزن دهی به داده ها از طریق دستور gls) است.

آزمون خود همبستگی سریالی

در رویکرد پنل دیتا به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آزمون والد ریج استفاده می شود. با توجه به نتیجه این آزمون، اگر سطح معنی داری بیش تر از ۵٪ باشد، بیانگر عدم وجود خود همبستگی سریالی در بین جملات اخلاقی می باشد (دیوید دروکر، ۲۰۰۳).

جدول (۹): نتایج آزمون خود همبستگی سریالی

نام فرضیه	آماره آزمون	سطح معنی داری
تاثیر دوره تصدی بر محافظه کاری حسابرس	۹/۴۰۵	۰/۰۰۲

با توجه به نتایج جدول فوق، مشاهده می شود که سطح معناداری آزمون والد ریج کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی در مدل می باشد که با استفاده از دستور Auto Correlation رفع شده است.

آزمون هم خطی

برای شدت همخطی چندگانه ارزیابی از عامل تورم واریانس (variance inflation factor=VIF) استفاده شده است. اگر آماره آزمون VIF به یک نزدیک بود نشان دهنده عدم وجود هم خطی است. به عنوان یک قاعده تجربی مقدار VIF بزرگتر از ۵ باشد همخطی چندگانه بالا می باشد (توجه شود که در برخی موارد عدد ۱۰ نیز به عنوان آستانه معرفی می گردد).

جدول (۱۰): آزمون هم خطی

نام متغیر	عامل تورم واریانس	تلورانس
دوره تصدی حسابرِس	۱,۰۳	۰,۹۷۰
بازده دارایی ها	۱,۸۱	۰,۵۵۲
اهرم مالی	۱,۶۵	۰,۶۰۷
ارزش بازار به دفتری	۱,۶۰	۰,۶۲۵
اندازه شرکت	۱,۰۸	۰,۹۲۵
نتیجه	هم خطی وجود ندارد	

چون مقادیر عامل تورم واریانس یا همان VIF کمتر از عدد ۵ هست و مقادیر تلورانس بیش از ۰,۲ هستند بنابراین مشکل هم خطی وجود ندارد.

تخمین های نهایی فرضیات پژوهش

جدول (۱۱): تخمین نهایی فرضیه

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری
دوره تصدی حسابرِس	-۰,۰۰۱	۰,۰۱۰	-۰,۱۳	۰,۸۹۷
اندازه شرکت	-۰,۰۰۱	۰,۰۰۴	-۰,۲۳	۰,۸۱۶
بازده دارایی ها	۰,۲۸۷	۰,۰۵۱	۵,۵۸	۰,۰۰۰
ارزش بازار به دفتری	۰,۰۰۵	۰,۰۰۶	۰,۷۸	۰,۴۳۵
اهرم مالی	۰,۰۵۸	۰,۰۳۱	۱,۸۵	۰,۰۶۵
عرض از مبدا	۰,۲۵۱	۰,۰۶۱	۴,۰۷	۰,۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۶۸۴ درصد			
آماره والد	۸۹,۵۵			
سطح معناداری والد	۰,۰۰۰			

طبق نتایج جدول فوق مشاهده می شود مشاهده می شود که دوره تصدی حسابرِس دارای سطح معناداری بیش از ۵ درصد است از این رو تاثیر معناداری بر متغیر وابسته ندارد و فرضیه مورد پذیرش قرار نمی گیرد. متغیر کنترلی اندازه شرکت، ارزش بازار به دفتری و اهرم مالی دارای سطح معناداری بیش از ۵ درصد هستند از این رو تاثیر معناداری بر متغیر وابسته ندارند ولی بازده دارایی ها تاثیر مستقیم و معناداری بر متغیر وابسته دارد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۶۸ درصد می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۶۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد

برابر با ۸۹,۵۵ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر دوره تصدی حسابرسان بر محافظه کاری حسابرسان می باشد. برای دستیابی به اهداف پژوهش تعداد ۱۱۲ شرکت از بین شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفت. آزمون تجزیه و تحلیل داده ها و فرضیه های پژوهش با استفاده از نرم افزارهای مینی تب نسخه ۱۶ و استاتا نسخه ۱۴ انجام شده است. مطابق تعریف محافظه کاری حسابرسان، حسابرسان از محافظه کاری به عنوان یک استراتژی مدیریت ریسک بهره می گیرند. اگر حسابرسان با رویه های فرصت طلبانه مدیران، مخالف باشند رویه های محافظه کارانه بیشتری در بررسی صورت های مالی به کار می برند و ارقام مندرج در صورت های مالی را با دقت بیشتر حسابرسان خواهند کرد می توان گفت محافظه کاری حسابرسان واکنش حسابرسان به مدیریت سود توسط مدیران است و رفتار جانبدارانه مدیران خشی می کند و باعث افزایش کیفیت حسابرسان می گردد. با بررسی فرضیه پژوهش نشان داد دوره تصدی حسابرسان بر میزان حسابرسان نقشی ندارد با توجه به مبانی نظری مطرح شده انجام عملیات حسابرسان صاحبکار توسط یک موسسه حسابرسان طی سنوات متمادی، به دلیل آشنایی تیم حسابرسان با عملیات حسابرسان صاحبکار و افزایش دانش حسابرسان نسبت به شرکت صاحبکار، عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرسان و صاحبکار کاهش یابد، حسابرسان می توانند رویه های اصلاحی را برای ارتقای کیفیت صورتهای مالی ارائه دهد و کیفیت حسابرسان را نیز افزایش دهد. در نتیجه افزایش کیفیت حسابرسان، رویه های محافظه کارانه حسابرسان نیز افزایش می یابد. فلذا در این فرضیه تاثیر دوره تصدی حسابرسان بر محافظه کاری حسابرسان مورد بررسی قرار گرفت. آزمون فرضیه انجام شده نشان داد، دوره تصدی حسابرسان بر محافظه کاری حسابرسان تاثیر ندارد. این بدین معنا است که افزایش دوره تصدی حسابرسان کمکی به افزایش محافظه کاری حسابرسان نمی کند. احتمالاً این موضوع را می توان اینگونه تفسیر نمود اینگونه تفسیر نمود که چه حسابرسان در دراز مدت در شرکت حضور داشته باشد، چه نداشته باشد؛ این حضور تاثیری بر کیفیت حسابرسان و حساسیت حسابرسان در بکارگیری روش های محافظه کارانه ندارد. نتایج این پژوهش با نتایج خواجهی و حسینی نیا (۱۳۹۲) که نشان دادند دوره تصدی و محافظه کاری ارتباط ندارد، سازگار است و با نتایج لی (۲۰۱۰)، ری یاد (۲۰۱۲)، آی رند و بابجید (۲۰۱۵)، کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) که نشان دادند رابطه مثبت و معنادار بین دوره تصدی حسابرسان و محافظه کاری وجود دارد ناسازگار است.

با توجه به مبانی نظری مطرح شده انجام عملیات حسابرسان صاحبکار توسط یک موسسه حسابرسان طی سنوات متمادی، به دلیل آشنایی تیم حسابرسان با عملیات حسابرسان صاحبکار و افزایش دانش حسابرسان نسبت به شرکت صاحبکار، عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرسان و صاحبکار کاهش یابد، حسابرسان می توانند رویه های اصلاحی را برای ارتقای کیفیت صورتهای مالی ارائه دهد و کیفیت حسابرسان را نیز افزایش دهد. در نتیجه افزایش کیفیت حسابرسان، رویه های محافظه کارانه حسابرسان نیز افزایش می یابد. فلذا در این فرضیه تاثیر دوره تصدی حسابرسان بر محافظه کاری حسابرسان مورد بررسی قرار گرفت. آزمون فرضیه انجام شده نشان داد، دوره تصدی حسابرسان بر محافظه کاری حسابرسان تاثیر ندارد. این بدین معنا است که افزایش دوره تصدی حسابرسان کمکی به افزایش محافظه کاری حسابرسان نمی کند. احتمالاً این موضوع را می توان اینگونه تفسیر نمود که چه حسابرسان در دراز مدت در شرکت حضور داشته باشد، چه نداشته باشد؛ این حضور تاثیری بر کیفیت حسابرسان و

حساسیت حسابرسان در بکارگیری روش های محافظه کارانه ندارد. نتایج این پژوهش با نتایج خواجوی و حسینی نیا (۱۳۹۲) که نشان دادند دوره تصدی و محافظه کاری ارتباط ندارد، سازگار است و با نتایج لی (۲۰۱۰)، ری یاد (۲۰۱۲)، آی رند و بابجید (۲۰۱۵)، کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) که نشان دادند رابطه مثبت و معنادار بین دوره تصدی حسابرسان و محافظه کاری وجود دارد ناسازگار است.

منابع

- ✓ اسدی غلامحسین، بیات، مرتضی، (۱۳۹۴)، تاثیر حسابداری محافظه کاری شرطی و غیر شرطی بر ارزش شرکت، حسابداری مدیریت، دوره ۸، شماره ۲۲، صص ۱-۱۲.
- ✓ بستانیان، جواد، (۱۳۸۷)، قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی، مجله حسابداری، شماره ۱۹۲، صص ۱۷-۲۲.
- ✓ جهانخانی علی، پارسائیان، علی، (۱۳۸۵)، مدیریت مالی، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.
- ✓ افلاطونی عباس، (۱۳۹۴)، تجزیه و تحلیل آماری با EViews در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی، انتشارات ترمه، چاپ دوم.
- ✓ خواجوی، شکراله، ابراهیمی، مهرداد، (۱۳۹۴)، کیفیت حسابرسی و محافظه کاری: شواهدی از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۲-۱۹.
- ✓ خواجوی، شکراله، سمیه، حسینی نیا، (۱۳۹۳)، رابطه بین محافظه کاری حسابداری و دوره تصدی حسابرسی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۱۶، پیاپی ۵۴، صص ۵-۲۵.
- ✓ دشتی رحمت‌آبادی، محمد، (۱۳۹۲)، رابطه بین محافظه کاری حسابرسان، اقلام تعهدی غیرعادی و ارائه بند درباره تداوم فعالیت در گزارش‌های حسابرسی ارائه شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی رجاء قزوین، دانشکده حسابداری و مدیریت.
- ✓ سجادی، سید حسین، دلفی، مهدی، (۱۳۹۰)، چرخش اجباری حسابرسان: پی آمدهای متفاوت در شرکت های کوچک و بزرگ، حسابداری رسمی، شماره ۱۳، صص ۷۸-۸۱.
- ✓ شیرین بخش ماسوله، شمس اله، صلوی تبار، شیرین، (۱۳۹۵)، پژوهش های اقتصادی با EViews، انتشارات نور علم.
- ✓ شماخی، حمیدرضا، زاهدی، رضا، (۱۳۹۳)، بررسی اصل محافظه کاری و جایگاه آن در گزارشگری مالی، دانش و پژوهش حسابداری، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۱-۱۹.
- ✓ عباسی، جواد، (۱۳۹۰)، اندازه گیری و تحلیل عوامل موثر بر محافظه کاری حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه اصفهان.
- ✓ علوی طبری، سید حسین، بذرافشان، آمنه، (۱۳۹۲)، کیفیت سود: شواهدی از نقش دوره تصدی حسابرسان و تخصص در صنعت، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره دوم، شماره ۷، صص ۹۱-۱۰۱.
- ✓ کرمی، غلامرضا، بذرافشان، آمنه، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسان و گزارشگری سودهای محافظه کارانه در بورس اوراق بهادار تهران، دوره دوم، شماره ۷، صص ۵۵-۸۰.
- ✓ مهرانی، ساسان، محمدآبادی، مهدی، (۱۳۸۸)، روش‌های اندازه‌گیری محافظه کاری، مجله حسابداری، شماره ۲۰۶، صص ۶۳-۵۸

- ✓ مهرانی، ساسان، نعیمی، مهدیس، (۱۳۸۲)، تئوری اخلاقی و تاثیر فشار بودجه زمانی بر رفتار حسابرسان مستقل، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۲، صص ۴۳-۶۱
- ✓ وکیلی فرد، حمیدرضا، مهران جوری، مهدی، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و محافظه کاری حسابداری در ایران، پژوهش های تجربی حسابداری، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۲۰۹-۲۲۴.
- ✓ Ahsan, Haiyan Jiang , Md. Borhan Uddin Bhuiyan , Ainul Islam (2014), Litigation Risk, Financial Reporting and Auditing: A Survey of the Literature, Research in Accounting Regulation, 26 (2014), 145–163.
- ✓ Ayorind, B., and O .Babajide (2015), Audit Tenure, Rotation and Accounting Conservatism: Emprical Evidences from Nigeria, Journal of Business & Financial Affairs, 4 (4) ,1-7.
- ✓ Beaver. W and S Ryan (2005), Conditional and Unconditional Conservatism: Concepts and Modeling, review of accounting studies, Issue 2-3, pp 269-309.
- ✓ Choi, J., and W. Lee (2014), Association between Big 4 Auditor Choice and Cost of Equity Capital for Multiple Segment Firms". Journal of Accounting and Finance 54 (1): 135- 163.
- ✓ Dang Li (2004), May Assessing Actual Audit Quality: Avalue Relevance Perspective.
- ✓ Dechow, P., Ge, W., and Schrand, C., (2010), Understanding Earnings Quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences, Journal of Accounting and Economics, 50: 344–401.
- ✓ Elshafie, Essam (2016), Determinants and Consequences of Auditor Conservatism, Journal of Accounting, Ethics and Public Policy, Vol. 17, No. 4, 2016. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2850139>
- ✓ Feng Chen, Kevin Lam, Wally Smieliauskas and Minlei Ye (2016), Auditor Conservatism and Banks Measurement Uncertainty during the Financial Crisis, International Journal of Auditing, 20: (65), p 522.
- ✓ Francis, J., Olsson, P., and Schipper, K (2008), Earnings Quality, Foundations and Trends® in Accounting: Vol. 1: No. 4, pp 259-340.
- ✓ Iyengar , R , J , and Zampelli , E .M (2016), Does Accounting Conservatism play ? Accounting and Finance, 50,121-142.
- ✓ Gigler, F., Kanodia, C., Sapara,H., venu go palan, R (2009), Accounting Conservatism and the efficiency of debt contracts. Journal of accounting Research 47, 767-797.
- ✓ Kellogg, R. (1984), Accounting Activities, Security Prices, and Class Action Lawsuits, Journal of Accounting & Economics 6 (December): 185-204.
- ✓ Krishnan, G , V (2005), The association between Big 6 auditor industry expertise and the asymmetric timeliness of earnings, Journal of accounting, Auditing & Finance, 26 (3), 204-228.
- ✓ Kothari, S. P., A. J. Leone, C. E. Wasley, (2005), Performance matched discretionary accruals measures, Journal of accounting and economics, Vol. 39, PP. 163-197.
- ✓ Lafond , R., and R. watts .(2007), The information Role of conservatism, working Paper Massachusetts Institute of Technology.
- ✓ Lafound, R.and R .Watts (2008), The Information Role of Conservatism,The Accounting Review .No,83-(2) pp447-455.
- ✓ Shu, S., (2000), Auditor Resignations: Clientele Effects and Legal Liability. Ph.D. Dissertation, University of Rochester, Rsochester, NY.
- ✓ Souzo, I.I. Roberto, P.and Paulo, E., (2011). The Relationship between Auditing Qulity and Accounting Conservatism in Brailian Companies, Journal of Education and Research in Accountin.

- ✓ Simunic, D.(1980), The pricing of audit services :theory and evidence. Journal of Accounting Research, vol, 18. No.1.pp.161-190.

